کوتاه‌تر از حادثه

## بازار قدیم قشم در آتش سوخت

**ایرنا|** ساعت حدود ۴:۳۰ بامداد دیروز، اهالی جزیره قشم متوجه حریق در محدوده بازار قدیمی مدنی این جزیره شدند. آن‌ها بلافاصله موضوع را به نیروهای امدادگران اعلام کردند و تا اوایل شب گذشته، همچنان مشغول خاموش‌کردن آتش بودند. حریق در بازار قشم علاوه بر نابودی اجناس ده‌ها واحد تجاری منجر به مصدومیت هفت تن از جمله چهار آتش‌نشان، دو نفر از کسبه بازار و یک مأمور پلیس شد.

## کشف هزاران سند جعلی در کشور

**خبرگزاری پلیس|** پلیس آگاهی کشور به طور هم‌زمان طرحی را برای مقابله با اسناد و مدارک جعلی آغاز کرد. این عملیات در مناطقی از پیش شناسایی شده به اجرا گذاشته شد. با تلاش کارآگاهان پلیس آگاهی سراسر کشور اجرای این طرح منجر به دستگیری ۸۴ متهم و کشف تعداد دو هزار و ۳۰۹ فقره انواع اسناد جعلی رسمی، غیررسمی و اقلام تقلبی از جمله مدارک تحصیلی، کارت معافیت، مدارک تحصیلی، گواهی‌نامه رانندگی و... شد.

## سوختن ۹ خودرو در تصادف ۳ خودرو!

**خبرآنلاین|** برخورد یک دستگاه تریلی حامل سوخت با یک دستگاه تریلی کشنده خودرو و یک دستگاه اتوبوس بین‌شهری در محور خمیر در استان هرمزگان منجر به مرگ راننده اتوبوس و سوختن ۹ خودرو شد. ساعت ۶ صبح دیروز یک دستگاه اتوبوس بین‌شهری که از شهرستان لار به سمت کهورستان در حرکت بود، حوالی روستای «دوکل پهن» از توابع شهرستان خمیر با یک تانکر حامل سوخت و یک دستگاه تریلی حامل شش دستگاه خودرو خارجی برخورد کرد. به دنبال این سانحه رانندگی، آتش‌سوزی گسترده‌ای رخ داد که در آن اتوبوس و دو تریلی به همراه شش دستگاه خودرو خارجی در آتش سوختند.

## رهایی یک شکارچی از قاچاقچی



**خبرگزاری پلیس|** پلیس با مشارکت اهالی بخش میمه استان اصفهان توانست یک بهله عقاب پرطلایی کمیاب را از اسارت و قاچاق به‌کشورهای حاشیه خلیج فارس نجات دهد. ساکنان منطقه میمه پس از اینکه خبر شکار یک بهله عقاب پرطلایی کمیاب را توسط یک شکارچی غیرمجاز شنیدند، پلیس را در جریان ماجرا گذاشتند. به دنبال این خبر، مأموران پلیس پس از هماهنگی با مقام قضایی به محل اعزام شدند. مأموران ضمن شناسایی خودرو مورد نظر آن را توقیف کردند و در بازرسی از آن موفق شدند یک بهله عقاب شکاری پرطلایی را کشف کنند. در بررسی مأموران مشخص شد راننده خودرویی که عقاب در آن بوده در امر قاچاق پرندگان کمیاب شکاری به خارج از ایران فعال بوده است و این شخص با شکار این پرنده، قصد انتقالش را به جنوب کشور برای قاچاق به کشورهای حوزه خلیج فارس را داشته است.

جهان حوادث

## ۹ کشته در پی بارندگی در ژاپن



**مهر|** باران سیل‌آسا ایشیکاوا در ژاپن منجر به خسارت‌های گسترده‌ای در این مناطق شده است. روز گذشته با پیدا شدن جسد یک زن در نزدیکی رودخانه‌ای در استان ایشیکاوا ژاپن، تعداد قربانیان بارندگی به ۹ نفر رسید. در پی این حادثه شش نفر نیز مفقود شده‌اند. سیل و رانش زمین در پی این بارندگی خسارت‌های زیادی را به بار آورده است.

## کلاهبرداری که بازیگر معروف نبود

**العین|** پلیس اسپانیا اعلام کرد که پنج نفر را به اتهام کلاهبرداری ۳۶۰ هزار دلاری از دو زن بازداشت کرده است. این افراد با جعل هویت براد پیت، بازیگر معروف آمریکایی، از طریق اینترنت و واتس‌اپ، توانستند قربانیان خود را فریب دهند. کلاهبرداران از طریق یک وب‌سایت که مخصوص طرف‌داران براد پیت بود، با دو زن ارتباط برقرار کرده و پس از مدتی آن‌ها را متقاعد کردند که در رابطه‌ای عاشقانه با این بازیگر هستند. سپس به بهانه سرمایه‌گذاری در پروژه‌های مختلف که وجود خارجی نداشت، اقدام به کلاهبرداری از این دو زن کردند.

## نشت مواد سمی در آمریکا دردسرساز شد

**صدا و سیما|** پس از نشت مواد شیمیایی خطرناک از واگن یک قطار نزدیک «سینسیناتی» در ایالت اوهایو آمریکا، به دانش‌آموزان یک مدرسه و ساکنان خانه‌های مجاورگفته شده است که محل را تخلیه کنند. این حادثه از یک شیر آزادکننده فشار استایرن که یک ماده شیمیایی سمی و قابل اشتعال است و برای ساخت پلاستیک و لاستیک استفاده می‌شود، نشت کرده است. نشت این ماده می‌تواند باعث سردرد، حالت تهوع و مشکلات تنفسی شود.

شهرآرا از آتش‌سوزی‌های پرتعداد در انبارهای ضایعات شهر گزارش می‌دهد

# دپوی آتش در انبار ضایعات

### مدیر منطقه ۳ سازمان آتش‌نشانی مشهد: در ۵ ماه ابتدایی امسال، ۵۷ انبار ضایعاتی در مشهد سوخت

سعید جلائیان

گزارش

مرد ژنده‌پوش در کوچه و خیابان معابر شمالی شهر، کیسه‌های زباله، بطری‌های پلاستیکی، کارتن و هر کالای قابل بازیافت را که می‌دید جمع می‌کرد. او مقابل یکی از خانه‌ها ایستاد و زنگ در خانه را زد. پیرمردی سال‌خورده در را گشود. مرد که انگار با خانه آشنا بود، از میان انواع و اقسام ضایعاتی که درون حیاط و داخل خانه بود به‌گوشه حیاط رفت و بارش را روی یک باسکول گذاشت. پیرمرد محتویات درون کیسه را بیرون ریخت، در زیر همه آن ضایعات، چند ده متر کابل مخابرات و سیم برق بیشتر توجهش را جلب کرد. پیرمرد شروع به چانه‌زنی کرد و در نهایت روی مبلغی توافق کردند. پیرمرد کیسه را در حیاط خانه‌اش جایی که پر بود از بطری‌های پلاستیکی، کارتن، کاغذ، لاک و... خالی کرد. او در ازای محتویات کیسه به مرد بسته‌ای حاوی چند گرم مواد مخدر و مبلغی پول داد. پیرمرد برای جداکردن روکش پلاستیکی کابل‌های مخابرات و برق تا نیمه‌شب صبر کرد و کابل‌هایی را که احتمالا سرقتی بودند، درون آتش انداخت. کمی بعد پیرمرد که داشت همان جا خوابش می‌برد، با پاشنه کفشش چند بار روی آتش کوبید و به داخل خانه‌اش بازگشت. ساعتی بعد با صدای خردشدن یک شیشه، از خواب بیدار شد. نگاهش به حیاط که غرق در آتش و دود بود افتاد و برای خاموش‌کردن آتش دست به‌کار شد اما آتش به جان خودش هم افتاد و تنها توانست از خانه بیرون برود و از همسایه‌ها کمک بخواهد. همسایه‌هایی که هیچ‌کدام تمایلی به کمک‌کردن به او نداشتند. دقایقی بعد آتش‌نشانان به محل رسیدند و پیش از اینکه آتش به منازل اطراف سرایت کند، حریق را خاموش کردند.

این آتش‌سوزی که در انتهای بولوار پنجتن رخ داد، فقط یک نمونه از حوادثی است که در انبارهای ضایعات مشهد ماهانه رخ می‌دهد. انبارهایی که بسیاری از آن‌ها غیرمجاز هستند و به همین دلیل آماری از تعدادشان در دست نیست و تنها حوادث ماهیت این انبارها را لو می‌دهد. براساس آمار سازمان آتش‌نشانی مشهد، از فروردین تا مردادماه امسال، ۵۷ حادثه آتش‌سوزی در انبارهای ضایعات در مشهد و اطراف شهر رخ داده است و آتش‌نشانان برای مهار آتش به محل اعزام شده‌اند. عملیات‌هایی که نسبت به مدت مشابه سال قبل که هفتاد و یک انبار ضایعات در آتش سوخت کاهشی بوده است. موضوعی که منجر به گفت‌وگویی با مدیر منطقه ۳ سازمان آتش‌نشانی مشهد شد.

آتش‌پاد حسن عظیمیان با اشاره به موقعیت جغرافیایی انبارهای ضایعات می‌گوید: بیشتر انبارهای ضایعات در بیرون از محدوده شهری قرار دارند و به همین دلیل وقتی همکاران ما برای بازدید به آنجا مراجعه می‌کنند، در بسیاری از مواقع مالکان چون در خارج از حریم شهر هستند به ما اجازه بازدید از انبارشان را نمی‌دهند و به توصیه‌های ما توجهی نمی‌کنند. اگر به آن‌ها بگوییم که برای انبارت سقف بساز تا اگر کسی از بیرون سیگار روشن به داخل پرت کرد، کل انبار نسوزد، یا ضایعاتت را با دیوارسازی از هم جدا کن، اصلاً توجه نمی‌کنند.



عکس: شهرآرا

**بازدید از انباری که مالکش می‌خندید**

وی با اشاره به خاطره بازدید از یک انبار ضایعات که پس از دو هفته طعمه آتش شد ادامه می‌دهد: درست است که در بیشتر مواقع وقتی برای بازدید به انبارهای ضایعات حاشیه شهر می‌رویم با درب بسته و بی‌توجهی افراد روبه‌رو هستیم، اما در موقع حادثه همان‌ها که می‌گویند در خارج از حریم شهر هستند و ما نباید به آن‌ها کار داشته باشیم از ما یاری می‌خواهند. همچون حادثه‌ای که سال گذشته در یک انبار ضایعات رخ داد. من شخصاً به طور اتفاقی برای بازدید از این انبار ضایعات در محدوده بزرگراه بسیج رفته بودم، این انبار در شهر قرار داشت و صاحب آن نمی‌توانست مانع بازدید ما شود. وقتی وارد شدیم مشخص شد که این انبار تنها یک زمین بایر بوده که دور آن دیوار کشیده‌اند و سقف هم نداشت. هنگام ورود مشخص شد که مالک به اندازه چندکامیون ضایعات را در یک جا جمع کرده و بدون جداسازی و فاصله‌گذاری از هم روی زمین چیده بودند. در واقع تپه بزرگی از ضایعات ساخته بودند. درست در کنار آن تپه کارگران با روشن‌کردن آتش، مشغول درست‌کردن چایی بودند. در انتهای انبار هم جایی دیدم که انگار مخصوص سوزاندن چیزی شبیه کابل‌های برق بود.

عظیمیان می‌گوید: به صاحب انبار گفتم که اینجا را تبدیل به انبار باروت کرده‌ای، این همه ضایعات را باید ردکنی نه اینکه یک جا انباشته کنی. نگه‌داشتن این همه ضایعات خطرناک است. این انبار نه کپسول اطفای حریق داشت و نه به شبکه آب‌شرب متصل بود. به او گفتم اینجا دیر یا زود در آتش خواهد سوخت، ایراداتش را بگیر و بیمه کن. تو حتی منبع آب نداری و اگر اینجا آتش بگیرد با آب هم نمی‌توانی آن را خاموش کنی. مالک انبار در پاسخ به تمام هشدارهای من تنها خندید و با تمسخر گفت ما که تا به حال نشنیده‌ایم انبار ضایعات آتش بگیرد. به او گفتم من خودم هر ماه در چند عملیات اطفای حریق انبارهای ضایعات شرکت دارم اما او توجهی نکرد و تنها می‌خواست هرچه زودتر من از آنجا بروم.

مدیر منطقه ۳ آتش‌نشانی مشهد بیان می‌کند: چهارده روز بعد از این بازدید بود که به انجام یک عملیات در انبار ضایعات فراخوانده شدیم. آدرسش را که دیدم، متوجه شدم همان انبار ضایعاتی بود که مالکش به توصیه‌های ما می‌خندید. وقتی به محل رسیدیم، دیدم کل انبار در آتش می‌سوزد. مالک انبار با دو دست مدام روی سرش می‌زد و از ما می‌خواست سرمایه‌اش را نجات دهیم. حادثه دشواری بود، چند ساعت با استفاده از تمام تجهیزات و نفرات چند ایستگاه تلاش کردیم تا توانستیم آتش را خاموش کنیم، اما چیز زیادی از انبار باقی نمانده بود. با خاموش‌شدن آتش همراه مالک مشغول بازدید و بررسی وضعیت شدم. او من را به خوبی می‌شناخت، منتها می‌دانستم دیگر سرزنش این مرد فایده‌ای ندارد و درس خوبی گرفته است، برای همین تنها به او گفتم اگر می‌خواهی باز هم در این‌کار باشی این بار اصولی و درست، کار کن.

**آدرس‌های خطر**

عظیمیان با اشاره به پراکندگی انبارهای ضایعات تصریح می‌کند: این خاطره که گفتم تنها یکی از ده‌ها تجربه من در آتش‌سوزی انبارهای ضایعات است، متأسفانه در جاده سیمان به‌ویژه محدوده خیابان رسالت ۱۲۹، انتهای خیابان شهید آوینی، آخر بولوار پنجتن، جاده کنه‌بیست و... انبارهای ضایعات به‌صورت قارچ‌گونه در حال گسترش هستند. حتی در برخی مناطق شهر شاهد تبدیل واحدهای مسکونی به انبار ضایعات هستیم که کار خاموش‌کردن آن‌ها به‌مراتب دشوارتر است. این خانه‌ها و دیگر انبارهای ضایعات با هم تفاوت چندانی ندارند و همگی شرایط آتش‌سوزی را دارند. بیشتر این انبارها متأسفانه بدون تجهیزات اطفای حریق هستند و انگار هیچ‌کدام از حوادثی که برای انبارهای ضایعات دیگر رخ می‌دهد درس نمی‌گیرند.

**راهکارهایی که اجباری نیست**

مدیر منطقه ۳ آتش‌نشانی با اشاره به دلایل اصلی بروز آتش‌سوزی در انبارهای ضایعاتی می‌گوید: طبق بررسی‌هایی که از این آتش‌سوزی‌ها داشتیم، یکی از دلایل روشن‌کردن آتش در مجاورت مواد اشتعال‌زا بوده است که بیشتر کارگران این انبارها برای جداسازی روکش کابل‌ها آتش روشن می‌کنند.

وی می‌افزاید: در موارد متعدد دیده شده که آن‌ها با این تصور که آتش خودش خاموش می‌شود، آن را رها می‌کنند و زغال‌های گداخته با وزش باد به نقاط دیگر سرایت کرده و کل انبار را سوزانده است. در بسیاری از موارد هم آتش منشأ خارجی داشته است، برای نمونه راکب یک موتورسیکلت فیلتر سیگارش را از بالای دیوار به داخل انبار ضایعات پرتاب کرده بود. فیلتر سیگار درست روی کارتن‌ها افتاده و منجر به حریق گسترده‌ای شده بود. یا در چند مورد معتادان متجاهر که اتفاقا برای همان انبارها، ضایعات آورده بودند، اقدام به روشن‌کردن آتش پشت دیوار همان انبار کرده بودند و آتش از میان درزهای دیوارها عبور کرده و به جان ضایعات پشت دیوار افتاده بود.

عظیمیان اضافه می‌کند: می‌توان به‌سادگی با تعریف یک سازوکار مشخص برای انبارهای ضایعات جلو تمام مشکلاتی که آن‌ها را تهدید می‌کند گرفت. آن طور که مالکان انبارهای ضایعات ادعا می‌کنند، در حال حاضر شرکت‌های بیمه چون می‌بینند، هیچ اصولی در انبارهای ضایعات رعایت نمی‌شود و هر لحظه امکان بروز حادثه در آن‌ها وجود دارد، حاضر به بیمه‌کردن آن‌ها نیستند. اگر مالکان انبارهای ضایعات به این کار ملزم شوند خود به خود مجبور خواهند بود، انبار خود را مسقف کنند، ضایعاتشان را تفکیک و خیلی موارد دیگر را رعایت کنند.

حادثه داغ

## پا در رکاب مرگ و جان در گرو دوست

**جلائیان|** ۲۵ شهریور ماه امسال «سجاد شکری‌زاده بجستانی» به همراه دو تن از دوستانش در منطقه الهیه مشغول تردد با موتورسیکلت بودند، اما به دلایلی نامشخص ناگهان کنترل این وسیله نقلیه از دستان سجاد خارج شد و این جوان هفده ساله به همراه دو ترک‌نشین موتورسیکلت زمین خوردند.

دقایقی بعد نیروهای امدادی هر سه مصدوم را به بیمارستان ناظران منتقل کردند. معاینات نشان داد که سجاد بیشتر از دو رفیقش آسیب دیده بود و هر سه تحت مراقبت ویژه قرار گرفتند. با توجه به شرایط جسمانی سجاد و آسیبی که به سرش وارد شده بود، کادر درمان را مجاب کرد تا پس از انجام اقدامات اولیه او را به بیمارستان امام زمان(عج) منتقل کنند.

فرایند درمان این پسر جوان در این مرکز درمانی ادامه پیدا کرد، اما پس از شش روز پاسخ آزمایشات به تیم پزشکی نشان داد که با وجود تلاش آن‌ها سجاد دچار مرگ مغزی شده است. با تأیید نهایی مرگ مغزی این بیمار در اولین روز پاییز، پزشکان خبر مرگ مغزی او را به خانواده‌اش دادند و در پایان به آن‌ها پیشنهاد کردند که می‌توانند با اهدای اعضای او جان چند بیمار نیازمند به پیوند عضو را نجات دهند.

پیشنهادی که خانواده این جوان با آن موافقت کردند تا پیکر سجاد از بیمارستان امام زمان(عج) به بیمارستان تخصصی منتصریه منتقل شود. به دنبال انتقال پیکر این مرحوم به بیمارستان منتصریه مقدمات جراحی اهدا و پیوند عضو به هفت بیمار در چهار مرکز درمانی سه شهر مشهد، تهران و شیراز انجام شد.

با آماده‌شدن اهداکننده و هفت دریافت‌کننده عضو، پیکر مرحوم «سجاد شکری‌زاده بجستانی» به اتاق عمل بیمارستان منتصریه رفت. در ابتدای این عمل پزشکان متخصص مشهدی، قلب سجاد را برای پیوند به بیمارستان مسیح دانشوری تهران ارسال کردند. جایی که قلب سجاد به یک مرد چهل و چهار ساله تهرانی پیوند شد. در ادامه کبد او به بیمارستان بوعلی‌سینا شیراز فرستاده شد تا در این شهر جان یک دختر پانزده ساله شیرازی را نجات دهد.

در ادامه متخصصان بیمارستان منتصریه دو کلیه این زنده‌یاد را در همین مرکز درمانی به یک دختر نوزده ساله اهل نیشابور و مرد بیست و دو ساله قائنی پیوند زدند. عمل اهدای عضو سجاد با اهدای دو قرنیه او به بانک چشم دانشگاه علوم پزشکی و بخشی از پوستش به بیمارستان امام رضا(ع) پایان یافت.

### جدول ۴۱۱۹

